بیانات در دیدار تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان عرصه‌های دانش‌بنیان - 10 /بهمن/ 1401

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

برادران عزیز، خواهران عزیز، کارآفرینان، فعّالان، مبتکران! خیلی خوش آمدید. از بیاناتی که دوستان در اینجا کردند، واقعاً خیلی بهره بردیم ؛ روحیه‌ها خیلی خوب، امیدها بالا، فعّالیّتها کاملاً محسوس. البتّه من تعجّب نمیکنم ؛ اگر چنانچه برجستگی‌ای در بین جوانانمان، مردممان، کارفرمایان‌مان، کارآفرینان‌مان، محقّقینمان مشاهده کنم، واقعاً هیچ تعجّبی نمیکنم. برای من روشن است که استعداد کشور خیلی بالا است و ما، هم در زمینه‌ی منابع خدادادِ طبیعی یک کشور فوق‌العاده‌ای هستیم، هم از لحاظ مسائل جغرافیایی و موقعیّت جغرافیایی بین‌المللی و سیاسی یک کشور برجسته و استثنائی هستیم، و هم از لحاظ نیروی انسانی ؛ از جهت نیروی انسانی حقاً و انصافاً ما خیلی برجسته‌ایم. حالا یکی از دوستان گفتند که دیگران نیروهای ما را جذب میکنند، ما چرا نیروی دیگران را جذب نکنیم؟ خب، ما احتیاج نداریم ؛ ما اگر خیلی فعّال باشیم، بلد باشیم، نیروهای خودمان را اگر نگه داریم، تربیت کنیم، احتیاج نداریم به اینکه نیروی دیگری را از خارج جذب کنیم، اینجا بیاوریم.

آنچه بنده در ذهن خودم، در مقابل چشمِ ذهنی و عقلی خودم از آینده‌ی کشور و از آینده‌ی ملّت و از پیشرفت دانش این کشور مشاهده میکنم، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در این حدسیّاتِ متعارف اظهار میشود یا فکر میشود و واقعاً خیلی بیش از این حرفها [است]. حالا یکی از دوستان در زمینه‌ی چوب به کاشت درخت اکالیپتوس اشاره کردند ؛ من یک خاطره‌ای یادم آمد. در قم من درخت اکالیپتوس دیده بودم تقریباً به اندازه‌ی یک درخت سیب ؛ درخت اکالیپتوس [به اندازه‌ی یک] درخت معمولی بود. در ایرانشهر که بودیم، یک باغی بود، مزرعه‌ی بزرگی بود نزدیک بَمپور در چند فرسخی ایرانشهر. یک باغی بود که ایتالیایی‌ها سالها پیش آنجا برای آزمایشها و مانند اینها ساخته بودند ؛ من گاهی به آن باغ میرفتم. یک درختی ــ البتّه یک مجموعه‌ی درختی ــ خیلی بلند من دیدم ؛ مثل این چنارهای قدیمی بلند که شاید مثلاً فرض کنید پانزده متر ارتفاع داشت ؛ تعجّب کردم این چه درختی است. پرسیدم چیست؟ گفتند اکالیپتوس. من اکالیپتوس را در قم به آن اندازه و با آن حجم دیده بودم، اینجا حالا اکالیپتوس [به این بلندی]! من رشد ملّت ایران و استعداد رشد ملّت ایران را تشبیه میکنم به این تفاوت اکالیپتوس بَمپور ایرانشهر با اکالیپتوس قم. استعداد ما خیلی خوب است، توانایی‌های ما خیلی خوب است.

خب در سال گذشته، در دیدار با فعّالان اقتصادی (۲) ــ که شاید بعضی از شماها هم آنجا بودید یا نبودید ــ مطالبی ما گفتیم، مطالبی دوستان گفتند، بهره بردیم و نتیجه شاید این شد که من امسال شعار سال را این قرار دادم: «تولید ؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» ؛ این شاید تا حدودی متأثر بود از اظهارات دوستان در آن جلسه‌ای که سال گذشته داشتیم. امسال، در این نمایشگاهی که دو روز قبل از این اینجا تشکیل شد (۳) و من رفتم نگاه کردم، دیدم کارهای خوبی شده ؛ هم در زمینه‌ی مسائل دانش‌بنیان، هم در زمینه‌ی بحث اشتغال‌آفرینی و کارآفرینی، نسبتاً کارهای خوبی انجام گرفته. اینجا هم دوستانی که صحبت کردند، ــ چند نفر که صحبت کردند ــ همه همین امید را، همین نوید را دادند که مسئله‌ی کارآفرینی، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی پیشرفت دانش و پیشرفت اقتصادی کشور و

تولید کشور، یک امر محسوسی است ؛ بلاشک، از این جلسه و دیدار پریروز و اطلاعات متفرّقی که بنده دارم، این را میشود فهمید. در نیمه‌ی اوّل سال ۱۴۰۱، شاخصهای اقتصادی رشد هم داشته که خب این شاخصها را، در مقایسه‌ی با نیمه‌ی اوّل سال ۱۴۰۰، مراکز رسمی اعلام کردند. این نشان‌دهنده‌ی یک حرکتی است ؛ رشد تولید ناخالص بدون نفت، رشد ارزش افزوده‌ی بخش صنعت و معدن ــ بخصوص در تولید کارگاه‌های بزرگ، یک رشد ۶/۶ درصدی را نشان میدهد که خب رقم خوبی است ــ رشد تشکیل سرمایه‌ی ثابت و امثال اینها ؛ این [نشان میدهد که] پیشرفتهایی وجود داشته.

آنچه من میخواهم عرض کنم دو مطلب است. یک مطلب کوتاه میخواهم به مسئولین محترمی که اینجا نشسته‌اند، بخصوص معاون اوّل محترم (۴) که اینجا هستند بگویم. این مطالبی را که این دوستان گفتند، با دقّت به خاطر بسپرید. اینها صرفاً گزارش نبود ؛ گزارش بود و همراه گزارش، گلایه هم بود. و این گلایه‌هایی که اینجا کردند، تقریباً همه‌ی اینها به نظر من درست است ؛ همه‌ی آنچه گفتند به عنوان توقّعاتی که از دولت و از مسئولین و از شخص بنده دارند، توقّعات درستی است. منتها شماها میدانید، مسئولین دولتی میدانند، دأب بنده در این مسائل ورود در مسائل اجرائی نیست، تأکید بر اجرا است. در همان مسائلی هم که اسم آوردند، مثل نانو و بقیّه‌ی چیزها، حتّی در زمینه‌های نظامی ــ که بنده مسئولیّت مستقیم دارم ــ من ورود نمیکنم ؛ من اصرار میکنم، راه را نشان میدهم، دنبال‌گیری میکنم، پیگیری میکنم، سؤال میکنم. حالا هم به شما عرض میکنم برای همه‌ی این چیزهایی که این دوستان گفتند کارگروه تشکیل بدهید ؛ یعنی اینها کارهایی نیست که یک نفر بتواند انجام بدهد ؛ اینها کارگروه میخواهد. کارگروه هر کدام از اینها در مرکز و آن اداره و وزارت مربوط به خودش باید تشکیل بشود. در این کارگروه، حتماً بایستی از نیروهای مباشر کار استفاده بشود، حضور داشته باشند ؛ همینهایی که اینجا صحبت کردند، این آقایان و دیگرانی که هستند ؛ نظرات آنها گرفته بشود و پیگیری بشود ؛ یعنی سؤال بشود کار به کجا رسید ؛ در زمینه‌ی مسائل سلامت که گزارش شد، مسائل صنعت که گزارش شد، مسائل نفت که گزارش شد، مسائل کشاورزی که اینجا مطرح نشد و آن هم مهم است، باید دنبال بشود و دنبال کنید اینها را ؛ اگر چنانچه اینها دنبال شد کشور به رشد مورد نیاز خواهد رسید که من حالا در مورد رشد چند نکته‌ای را عرض خواهم کرد.

ما احتیاج داریم به رشد سریع و مستمر ؛ علّت هم این است که عقب‌افتادگی داریم. ما در دهه‌ی ۹۰ به دلایل مختلف یک عقب‌ماندگی و به‌اصطلاح تعطیل نسبی مسائل اقتصادی داشتیم. نمیشود همه را منسوب کرد به ضعف مدیریّتها ؛ نه، بخشی مربوط به عوامل خارجی و بیرونی است، بخشی مربوط به عوامل درونی است ؛ مسئله‌ی تحریمها مؤثر بود، مسئله‌ی کاهش ارزش نفت در یک برهه‌ای از زمان مؤثر بود، مسئله‌ی تمرکز کشور بر روی مسئله‌ی هسته‌ای که اقتصاد را شرطی کرد، مؤثر بود ؛ مسائل گوناگونی این‌جوری مؤثر بود ؛ نتیجه این شد که ما یک دهه عقب‌ماندگی داریم و شاخصهای منفی، زیاد داریم که آمار متقن مراکز رسمی است ؛ یعنی اینها ادّعا نیست. شاخصها، شاخصهای منفی است در بخشهای مهمّی که البتّه من اینجا یادداشت هم کرده‌ام، [ولی] نمیخواهم حالا وقت را به این بگذرانم. طبعاً جبران این عقب‌ماندگی کار آسانی نیست ؛ این طبعاً محتاج یک رشد مستمرّ پی‌درپی اقتصادی است در میان‌مدّت ؛ حالا بلندمدّت نگوییم. یعنی مثلاً ما اقلاً هفت، هشت ده سال بایستی تلاش را پیگیر کنیم، متمرکز کنیم و با شرایط لازم پیش برویم که من حالا یک نکاتی را در این زمینه عرض میکنم. لذا برای همین است که ما در برنامه‌ی هفتم توسعه، اولویّت اصلی برنامه را گذاشتیم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت. مسئله‌ی عدالت هم مهم است ؛ یعنی اگر چنانچه ما پیشرفت بدون عدالت داشته باشیم، در واقع پیشرفت نکرده‌ایم ؛ پیشرفت باید همراه با عدالت باشد ؛ البتّه ساز و کار دارد، راه دارد ؛ این جور نیست که امکان‌پذیر نباشد، یک چیز

معضل و مبهمی باشد ؛ نه، راه کار وجود دارد.

و رشد اقتصادی را متوسّط هشت درصد در سیاستهای برنامه‌ی هفتم قرار دادیم که اگر واقعاً ما بتوانیم به طور متوسّط به رشد هشت درصد برسیم در طول مدّت پنج‌ساله‌ی برنامه به نظر من کار بسیار خوبی انجام گرفته. ما به این رشد احتیاج داریم ؛ چرا؟ به چند علّت، به چند دلیل ما نیاز داریم به اینکه این رشد را به دست بیاوریم. مخاطب این حرفِ من همه هستند ؛ هم مسئولین دولتی هستند، هم شما برادران عزیز، خواهران عزیز، فعّالان اقتصادی ؛ شماها هم مخاطبین این حرفید. این رشد با کمک همه اتّفاق می‌افتد.

چهار علّت دارد که ما بایستی به این چهار دلیل و به این چهار علّت حتماً دنبال رشد باشیم. اوّلین علّت این است که ما به طور محسوس مشکل معیشت مردمی و رفاه خانوار را داریم در کشور که این بدون رشد اقتصادی علاج‌پذیر نیست. ما اگر بخواهیم فقر را برطرف بکنیم، اگر بخواهیم رفاه خانوار را در کشور رشد بدهیم، این احتیاج دارد به رشد اقتصادی در کشور ؛ بدون این، امکان ندارد. خود این، یک دلیل کافی است ؛ مسئولیّت دولت است، مسئولیّت افراد توانا است ــ چه توانایی فکری، چه توانایی مالی، چه توانایی مدیریّتی ــ همه مسئولیّت دارند که این کار را انجام بدهند. این دلیل اوّل.

دوّم، ارتقای جایگاه ایران در اقتصاد منطقه و جهان. میدانید، در دنیای امروز، ارتقای جایگاه یک کشور به میزان زیادی مربوط به وضع اقتصادی آن کشور است ؛ وقتی یک کشوری پولش ضعیف میشود، امکانات اقتصادی‌اش پایین می‌آید، اعتبار و جایگاهش در دنیای امروز کاهش پیدا میکند. ما برای اینکه این جایگاه کشور را در مجموعه‌ی منطقه و در مجموعه‌ی جهان حفظ کنیم، به این رشد احتیاج داریم. این هم علّت دوّم.

علّت سوّم ؛ ما نیروی انسانی متخصّص زیاد داریم ؛ خوشبختانه یکی از افتخارات و امتیازات ما در کشور این است که ما نیروی متخصّص خیلی داریم. خب، از اوّل انقلاب که مثلاً حدود ۱۵۰ هزار دانشجو داشتیم، حالا مثلاً میلیون‌ها دانشجو و میلیون‌ها فارغ‌التّحصیل در مقاطع مختلفِ علمی داریم ؛ خب، اینها شغل لازم دارند، اینها کار میخواهند. بله، داشتن نیروی انسانیِ جوانِ متخصّص یک افتخار است امّا اگر شغل نداشت و بیکار ماند چه؟ یک سرافکندگی است، دیگر افتخار نیست. ما آن وقت بنشینیم مدام به خودمان بگوییم: «چرا مهاجرت میکنند، چرا خارج میروند»! خب باید کار بدهید. من، چند وقت پیش که در این حسینیّه یک جلسه‌ای بود (۵) گفتم، آن جوانِ کارآمدِ تحصیل‌کرده‌ی ما که حالا از خارج آمده یا در خارج تحصیل کرده یا در داخل تحصیل کرده، دو چیز بیشتر از ما نمیخواهد: اوّلی شغل است ؛ دوّمی هم امکان پیشرفت علمی است ؛ ما شغل را باید برایش فراهم بکنیم. بدون یک رشدِ بالا، نمیتوانیم اشتغال ایجاد کنیم برای این مجموعه‌ی عظیمِ جوانِ متخصّص و دانشمند. این هم دلیل سوّم.

دلیل چهارم هم اینکه ما امروز در کشورمان جوان خیلی داریم امّا آیا فردا هم همین اندازه جوان خواهیم داشت؟ معلوم نیست. با این وضعی که من مشاهده میکنم، با این‌همه تأکیدی هم که کردیم، در عین حال نتایج، خیلی نتایجِ دلگرم‌کننده‌ای نیست ؛ ممکن است فردا این‌همه جوان نداشته باشیم ؛ ما باید کشور را برای آن روز ثروتمند کنیم. اگر آن روزی که ما جوان کم داریم، کشور ثروتمند نباشد، نمیتواند دیگر ثروتمند بشود. این هم دلیل چهارم برای اینکه امروز باید رشد ایجاد کنیم تا کشور ثروتمند بشود برای اینکه فردای محتمَل که این‌قدر جوان نداریم، واقعاً کشور بتواند خودش را اداره کند.

خب، حالا این رشد را چه جوری به دست بیاوریم؟ البتّه این الزاماتی دارد. در خلال حرفهایی که سخنرانان محترم امروز گفتند، بعضی از این الزامات گفته شد ؛ من هم چند نکته در این زمینه عرض میکنم. البتّه بعضی از این الزامات، متوجّه دستگاه‌های حکومتی است که آنها موظّفند و باید دنبال کنند ؛ بعضی متوجّهِ خود فعّالانِ اقتصادی است ؛ بعضی متوجّه آحاد مردم است. به نظرم یکی از دوستان به مسئله‌ی «اسراف» اشاره کردند ؛ خب، اسراف آب، اسراف گوشت، اسراف نان و نانِ دورریخته، چیزهایی است که مربوط به آحاد مردم است. پس بنابراین اگر ما بخواهیم به آن مقصود دست پیدا کنیم، کارهایی را باید انجام بدهیم ؛ این کارها، هم کارهای دولتی است، هم کارهای فعّالان اقتصادی است، هم کارهای دانشمندان است، هم کارهای آحاد مردم است.

دو رکن اساسی اینجا وجود دارد که من اوّل عنوان آن دو رکن اساسی را میگویم ؛ اوّل، افزایش سرمایه‌گذاری برای تولید. سرمایه‌گذاری باید افزایش پیدا کند. ما دوره‌هایی را داشتیم که فعّالیّتهایی در آن انجام گرفت، [امّا] سرمایه‌گذاری، رشد منفی داشت ؛ چند سال بعد آثارش را مشاهده کردیم. متأسّفانه یکی از نتایج آن دهه‌ی ۹۰ هم که گفتم مشکلات داشتیم همین است ؛ آنجا یکی از شاخصهای سلبی و منفیِ ما سرمایه‌گذاری بود ؛ کم انجام گرفت. قبل از آن هم البتّه همین جور [بود] ؛ در دوره‌ی قبل هم از این جهت مشکل داشتیم.

یکی مسئله‌ی افزایش سرمایه‌گذاری است، دوّم ارتقای بهره‌وری. وضع ما از لحاظ بهره‌وری خیلی بد است ؛ بخصوص در بعضی از بخشها بهره‌وری خیلی پایین است ؛ کار انجام میگیرد، [منابع] مصرف میشود، [ولی بهره‌وری ناچیز است.] من حالا در همین تصویرهایی که از کارها نشان دادند ــ نمیدانم مربوط به کدام تصویر بود ــ چشمم افتاد به این آبیاری کذاییِ قدیمی که آب داشت همین طور از داخل جویِ گل‌آلود عبور میکرد و حرکت میکرد ؛ نمونه‌ی آبیاری ما این است. بنده یک وقتی چند سال قبل از این گفتم، که حدود نود درصدِ آبِ کشور صرف کشاورزی میشود. (۶) [آب مصرفی] صنعت و مصارف خانگی و امثال اینها ده درصدِ آبِ کشور است، نود درصد مربوط به کشاورزی است. ما اگر بتوانیم از این نود درصد، ده درصد را صرفه‌جویی بکنیم، به قدر همه‌ی آبی که امروز صرف صنعت و صرف شرب خانگی و بقیّه‌ی مصارف میشود، آب بازیافت کرده‌ایم ؛ مسئله‌ی بهره‌وری این‌جوری است. ما از آب، بد بهره‌وری میکنیم ؛ از انرژی، بد بهره‌وری میکنیم. این، دو رکنِ اساسی است: افزایش سرمایه‌گذاری، ارتقای بهره‌وری.

الزامات دیگری هم وجود دارد که من چند موردش را یادداشت کرده‌ام، که مختصر میگویم ؛ چون جلسه طولانی شده و میخواهم زودتر تمام بشود. اوّل اینکه دستگاه‌های اجرائیِ حکومتی برای مسائل اقتصادی ــ چه کلّ اقتصاد کشور، چه بخشهای مختلف اقتصادی ــ بایستی چشم‌انداز راهبردی داشته باشند، برنامه‌ی بلندمدّت داشته باشند. البتّه من معمولاً از مسئولین محترم سؤال میکنم، و [آنها هم] اظهار میکنند که این برنامه را داریم. خب اگر برنامه‌ی بلندمدّت و چشم‌انداز و برنامه‌ی راهبردی وجود داشته باشد، دچار روزمرّگی و حرکت زیگزاگی نمیشویم ؛ این روزمرّگی‌ها به همه جا خیلی ضربه میزند. یک روز یک چیزی را میگوییم، فردا آن را نقض میکنیم یا به یک شکلی تغییر میدهیم ؛ همین چیزی که شکایت این آقایان است. شکایتِ خیلی از این آقایانِ فعّالان اقتصادی همین است ؛ که حالا در مورد فضای کسب و کار و مانند آن بعداً عرض خواهم کرد ؛ این مطلب اوّل.

دوّم، دستگاه‌های اجرائی باید از توسعه‌ی بنگاه‌های خصوصی حمایت کنند ؛ کشور بدون فعّالیّت بنگاه‌های خصوصی اداره نخواهد شد. اشتباه مهمّی که در سالهای اوّل انقلاب اتّفاق افتاد و مبالغ زیادی از آثارش همین طور ماند، این

بود که بخش خصوصی را کنار زدند و همه‌ی کارها، حتّی فروش مثلاً اجناس خُرد را به مسئولین دولت و دستگاه‌های دولتی سپردند ؛ خطای بزرگی بود که ما انجام دادیم. بایستی بنگاه‌های خصوصی که حضور مردم است، توانایی مردم است، ابتکار مردم است، پول مردم است، حمایت بشوند ؛ وسط میدان بیایند ؛ اقتصاد را اینها باید اداره کنند.

من مکرّر این مثال را گفته‌ام: دو جور میشود کار کرد ؛ شما میتوانید یک باری را داخل یک وانتی بگذارید و بعد پشتِ فرمانِ این وانت بنشینید، این بار را به‌آسانی از یک جایی به یک جای دیگری منتقل کنید. میتوانید این وانت را کنار بیندازید، این بار را به دوش خودتان بگیرید، هم خسته بشوید، هم به منزل نرسید، هم این بار وسطِ راه زمین بیفتد، ضایع بشود. بخش خصوصی باید حمایت بشود ؛ بخش خصوصی بدون حمایت وارد میدان نمیشود یا اگر وارد میدان شد، موفّق نمیشود. بنده کسانی را می‌شناسم، افراد مؤمن و معتقد و علاقه‌مند به کشور و علاقه‌مند به نظام جمهوری اسلامی، که یک بخش خصوصی را، یک مرغداری را، مثلاً یک واحد صنعتی را از روی اخلاص اداره میکردند. میگفتند که ما میتوانیم این پول را در بانک بگذاریم، از سودش تا آخر عمر استفاده کنیم، زحمتی هم برایمان نداشته باشد، مالیات هم نمیدهیم، امّا این زحمت را به عهده گرفتند، [ولی] نیمه‌کاره ماند ؛ چون حمایت نشدند، چون فشار بر آنها وارد آمد ؛ حالا من بعد باز در بخشهای بعدی اشاره میکنم.

اینکه ما سیاستهای اصل ۴۴ را مطرح کردیم، برخلاف تصوّر میبینم بعضی از برادرهای خوب، بعضی از عناصر خوب و خوش‌نیّت به سیاستهای اصل ۴۴ اعتراض میکنند ؛ این اعتراض درست نیست. این سیاستها با دقّت انتخاب شد، با فکر انتخاب شد ؛ افرادی که وارد بودند در مسائل اقتصادی و علاقه‌مند به عدالت اجتماعی و بجد دنبال عدالت اجتماعی بودند، همه آن را تأیید کردند ؛ منتها خب عمل نشده ؛ متأسّفانه دولتها درست عمل نکردند ؛ خیلی کم عمل شده. چندین دولت این جور پشت سر هم به این سیاستهای اصل ۴۴ عمل نکردند ؛ باید عمل بشود. البتّه دقّت بشود، مراقبت بشود، مدیریّت بشود، نظم و انضباط کاری ملاحظه بشود و این کار انجام بگیرد. بنابراین الزام دوّم این است که دستگاه‌های دولتی از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کنند ؛ هم حمایت مالی لازم است، هم حمایت قانونی لازم است. مخاطب این حرف، هم دولت، هم مجلس، هم قوّه‌ی قضائیّه است ؛ یعنی هر سه قوّه‌ی کشور مخاطبِ این توصیه هستند.

الزام سوّم ؛ دانش و فنّاوری باید بالا برود. همین مقداری که ما امروز موفّقیّت داریم، ناشی از پیشرفت علم در کشور است که بحمدالله از پانزده شانزده سال پیش در کشور شروع شده ؛ یک روند خوبی داشته، پیشرفت خوبی داشته. اینکه می‌بینید این جوان اینجا می‌آید، با شجاعت اظهار میکند که ما این کار را کرده‌ایم، و این کار را میتوانیم بکنیم و مانند اینها، به خاطر این است که اینها در دانش پیشرفت کرده‌اند، راه علم باز شد. گفتیم (۷) بروید خطوط مقدّم علم را بشکنید، از آن عبور کنید، بروید جلو ؛ اکتفا نکنید به اینکه در قسمتهای مؤخّر قافله‌ی علمی جهان باقی بمانید. جلو بروید. آن چیزی که من به عنوان یک آرزو، چند سال قبل از این مطرح کردم و باید به این آرزو برسیم، این است که گفتم ما باید جوری برنامه‌ریزی کنیم، جوری حرکت کنیم که پنجاه سال بعد اگر کسی در دنیا خواست حرفِ علمیِ نو بشنود، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد تا بتواند سخنِ علمیِ نو را بشنود. ما باید این‌جوری حرکت کنیم. آن «پنجاه سال» که من گفتم، حالا بیش از ده سالش گذشته ؛ باید دنبال کنید، باید همّت کنید. بنابراین، یک کار هم مسئله‌ی پیشرفت دانش و فنّاوری است ــ دانش و فنّاوری، هر دو ــ که مسئول این کار، مخاطب این کار، بنگاه‌ها و مراکز دانش و تحقیقند ؛ دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقی، پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌ها ؛ اینها بایستی دنبال بکنند، و [هم] معاونت علمی رئیس‌جمهور، که این به نظر من بسیار کار مهمّی است. در دولت هفتم یا هشتم بنده اصرار کردم این

معاونت به وجود آمد ؛ مرحوم دکتر ابتکار (۸) ــ خدا رحمتش کند ــ که مسئول این معاونت بود، آمد پیش من شکایت که به من نه میدان داده میشود، نه کار گفته میشود، نه مسئولیّت مشخّص میشود ؛ یعنی توجّه نمیشد. خب الحمدالله پیشرفت کرده ؛ بعدها، در این سالهای اخیر، بحمدالله پیشرفت خوبی کرده و مخاطب این حرف، از جمله معاونت علمی است که باید دنبال بشود.

الزام بعدی افزایش بهره‌وری است ؛ بایستی روی مسئله‌ی افزایش بهره‌وری که اشاره کردم کار بشود، بخصوص مسئله‌ی آب، مسئله‌ی انرژی و مسئله‌ی نیروی انسانی، نیروی کارمندی. یکی از مواردی که ما دچار ضعف بهره‌وری هستیم همین نیروهای کارمندی دولتی هستند که کار مفیدشان در طول هفته خیلی معدود است، چند ساعت بیشتر نیست ؛ این همین کاهش بهره‌وری در مورد نیروی انسانی است ؛ اینها باید اصلاح بشود. مسئله‌ی آب باید اصلاح بشود. در قضیّه‌ی آب، یکی از آشناهای ما، دوستان ما و به یک معنا همکاران ما، یک طرحی را در زمینه‌ی مسائل کشاورزی مطرح کرد با ما، من با آقای رئیس‌جمهور در میان گذاشتم، ایشان همّت کردند رفتند از نزدیک طرح را دیدند و تصدیق کردند. پریروز که اینجا ما در نمایشگاه بودیم، وزیر محترم کشاورزی (۹) به من گفت این طرح پیشرفته‌ترین طرح دنیا است! این را وزیر کشاورزی ما میگوید. یک طرحی است که از یک گوشه‌ای درمی‌آید، یک نفری که نه مسئول دولتی است، نه وزیر است، یک طرحی را حالا یا یاد میگیرد از کسی یا خودش به ذهنش میرسد، ارائه میکند، مسئولین ما میگویند این بهترین طرح و پیشرفته‌ترین طرح کشاورزی است ؛ خیلی خب، دنبال بشود، دنبال کنید. حالا به من گفتند که این یک مقداری هزینه‌های بیشتری را تحمیل میکند ؛ نگاه کنیم به آینده ببینیم بعد که این هزینه‌ها را کردیم، چه خواهد شد. به هر حال، یک الزام هم این است.

مسئله‌ی بعدی بحث رقابت‌پذیر کردن کالا است. طبیعت کالای ایرانی، بخصوص در بخشهای طبیعی و مانند اینها، بهترین و برترین طبیعت است ؛ میوه‌ی ما بهترین میوه است، سبزیجاتمان بهترین سبزیجات است، سنگمان بهترین سنگ است، بسیاری از معادنمان [همین‌طور است]، محصولاتمان محصولات خوبی است ؛ هم از لحاظ کمّیّت خوب است، هم از لحاظ کیفیّت خوب است. در دنیا باید کاری کنیم که بخصوص در بخش صادرات، [محصولاتمان] رقابت‌پذیر بشود ؛ یعنی هم کیفیّت محصول نهایی را بالا ببریم و هم قیمت تمام‌شده را کاهش بدهیم. این از جمله‌ی کارهای خیلی واجب است که بایستی انجام بگیرد، بخصوص برای بازارهای صادراتی. و امکانات ما خب خیلی خوب است.

باز در همین زمینه‌ی کشاورزی، من پریروز که اینجا نمایشگاه داشتیم به دوستانی که آنجا بودند گفتم ایرانشهر یک منطقه‌ی عجیبی است. یکی از توفیقات بنده در طول عمرم این بوده که مدّتی در ایرانشهر تبعید بودم و با مسائل ایرانشهر و بلوچستان و مانند اینها یک مقداری آشنا شدم. یک گوجه‌فرنگی برای من آوردند آنجا، در ایرانشهر که من دستم را باز کردم، پُر کرد دست من را. گوجه‌فرنگی پُر [کرد] دست من را ؛ مثل یک طالبی، به قدر یک طالبی. این [جور] است. در همان ایرانشهر، به من خبر دادند که در یک مناطقی از اطرافِ ایرانشهر پنبه‌ای تولید میشود رنگی ؛ پنبه‌ی سفید نیست، پنبه‌ی رنگی است ؛ مثلاً آبی یا سبز. یعنی کیفیّت محصولات ما این‌جوری است. ما اینها را [باید] بتوانیم در دنیا مطرح کنیم. اگر چنانچه ما محصولمان را رقابت‌پذیر کنیم، یعنی هم کیفیّت بالا برود، هم قیمت پایین بیاید، تحریم دیگر اثر نمیکند. آن روز به من گفتند که پیراهن تیم ملّی را ما درست کردیم، مجبور شدیم به نام کشور دیگری بدهیم. خب این علاج دارد. باید کاری کنید محصولتان را که نتوانند مجبورتان کنند که به نام کشور دیگری ببرید ؛ نه، به نام ایران و ساخت ایران [ببرید] ؛ بنویسید «ساخت ایران» ؛ «IRAN IN MADE» هم ننویسید ؛

بنویسید «ساخت ایران» با خطّ فارسی. ببرید در خارج، مجبور بشوند بخرند ؛ برای خاطر اینکه کیفیّتش خوب است و قیمتش پایین است. الان این اتفاق در مواردی هم می‌افتد ؛ من اطلاع دارم. یک جاهایی الان هست که ما محصولاتمان را آنجا صادر میکنیم، محصولات دیگران هم می‌آید آنجا و محصول ما مطلوب‌تر است، کیفیّتش بیشتر است، بهتر است و ارزان‌تر است. لذا مردم به آن اقبال میکنند، به محصولهای دیگر اقبال نمیکنند. میتوانیم.

خدمات هم همین جور است. حالا امروز یکی از آقایانی که صحبت کردند، کارشان کار سدسازی و جادّه‌سازی و کارهای این‌جوری است. خیلی از کشورهایی که در دنیا هستند، کشورهای آفریقایی، بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، احتیاج دارند ؛ به سد احتیاج دارند، به جادّه احتیاج دارند، به شاهراه‌های بزرگ احتیاج دارند. اینها را برایشان میسازند با قیمتهای گران، با کیفیّت‌های نامطلوب. ما میتوانیم با قیمت ارزان، با کیفیّت مطلوب برایشان بسازیم. بنابراین رقابت‌پذیر کردن کالا و خدمات هم یکی از الزامات رشد است.

یکی از مهم‌ترین الزامات، بهبودِ فضای کسب و کار است که من راجع به این هم چند بار صحبت کرده‌ام ؛ در این صحبتی هم که از جلسه‌ی پارسال ما پخش شد، نشان داد که من راجع به بهبود فضای کسب و کار صحبت کردم که خودم یادم نبود. مهم است. ما بایستی کاری کنیم که مردم بتوانند راحت کسب و کار کنند، بتوانند داد و ستد کنند، بتوانند تولید کنند ؛ که حالا من اینجا چند مورد را ذکر کرده‌ام.

تصمیم‌گیری‌های متناقض را علاج کنیم. ما گاهی اوقات تصمیم‌گیری‌های متناقض داریم. یک دستگاه یک تصمیمی میگیرد و اعلام میکند، یک دستگاه دیگر خلافِ آن را یا ضدّ آن را تصمیم میگیرد و او هم اعلام میکند ؛ هر دو هم در جلسه‌ی هیئت دولت دُور یک میز می‌نشینند ؛ این نباید اتّفاق بیفتد. تصمیمات متناقض را بایستی علاج کنیم ؛ یکی این، که مردم بدانند که چه کار باید بکنند.

دوّم علاج تغییرات مکرّر قوانین و مقرّرات. مکرّراً قوانین ما، مقرّرات ما، تغییر پیدا میکند. مخاطب این، هم دولت است، هم مجلس ؛ بخصوص مجلس. یک مقرّره‌ای در دولت تصویب میشود، اعلام میشود، ناگهان از مجلس صدایی بلند میشود ضدّ آن، بعد از آنکه مدّتی ترتیبات داده شده و بر اساس آن تصمیم‌گیری شده، برنامه‌ریزی شده، حالا لغو میشود! اینها اشکال دارد، اینها را باید علاج کرد. مخاطب این توصیه‌ی مؤکد، هم مجلس است، هم دولت.

علاجِ راهِ دراز و پُرپیچ‌وخم فرایندهای اداری. یک وقتی یک تعدادی از همین مسئولین و فعّالین بخشهای مختلف اقتصادی پیش من آمدند و یکی از آنها گفت برای گرفتن یک مجوّز، تعداد زیادی مرکز وجود دارد که باید به اینها مراجعه کنیم که [چون] چند سال گذشته، متأسّفانه من تعدادش یادم نیست ؛ اینها باید اصلاح بشود. حالا در یک بخشهایی یک پنجره‌ی واحدی درست شده (۱۰) که بسیار خوب است، این بسیار مفید است ؛ در بخشهای مختلف باید این کار انجام بگیرد ؛ یعنی فرآیندهای اداری برای کسب مجوّز، برای رفع اشکالات مردمی که مشغول کسب و کار هستند، بایستی اصلاح بشود، راه‌ها کوتاه بشود و مقرّرات‌زدایی بشود. معنایش مراقبت‌زدایی نیست ؛ مراقبت باید وجود داشته باشد امّا این راه‌های پُرپیچ‌وخم بایستی برداشته بشود.

یکی دیگر از این مسائلی که مربوط به بهبود فضای کسب و کار است، مداخله‌های سلیقه‌ای از سوی نهادهای نظارتی و غیرنظارتی است ؛ این هم باید برداشته بشود. مداخله میکنند در کارها ؛ حالا یک مسئله مداخله‌ی قانونی است که

میگوید: «شما خلاف قانون عمل کردی»! این باید انجام بگیرد، به این کسی ایراد ندارد امّا مداخله‌های سلیقه‌ای میکنند، با نظرات غیر قانونی و بدون اینکه الزامی وجود داشته باشد، بیخود در کار مردم دخالت میکنند ؛ این هم بایستی برداشته بشود.

تأمین مالی برای فعّالیّتهای بخش خصوصی هم یکی دیگر از آن چیزهایی است که به بهبود فضای کسب و کار کمک میکند. البتّه مسئولین محترم دولتی اینجا تشریف دارند، یکی از چیزهایی که برای کمک مالی به بخش خصوصی مهم است، مسئله‌ی صندوق توسعه‌ی [ملّی] است ؛ صندوق توسعه اصلاً تشکیل شد برای اینکه به بخش خصوصی کمک کند. متأسّفانه در دولتهای مختلف ــ از وقتی این صندوق تشکیل شده تا حالا ؛ در طول این چند سال ــ هر وقت کارشان یک جایی گیر میکند و مجوّز قانونی هم برای برداشت از صندوق توسعه ندارند، مراجعه میکنند به این حقیر برای اینکه مجوّز داده بشود که فراتر از قانون از این صندوق استفاده کنند ؛ این درست نیست، این اشکال دارد ؛ هم اشکال فنّی دارد، هم اشکال نتیجه‌ای دارد. باید [به بخش خصوصی] کمک بشود ؛ این هم یکی از مسائل است.

یکی [دیگر] از الزامات، مسئله‌ی انضباط مالی در بودجه است ؛ متأسّفانه بودجه‌ی ما دچار مشکلات ساختاری است. این کسر بودجه‌های عجیب و غریبی که در سالهای مختلف وجود داشته، یکی از مشکل‌سازترین عوارض مالی کشور ما و عوارض اقتصادی کشور ما است. ما این جلسه‌ی شورای اقتصادی سران قوا را تشکیل دادیم برای اینکه این مشکل برطرف بشود [امّا] تا حالا هنوز برطرف نشده. [برای] مشکل ساختار غلط بودجه بایستی کاری بشود ؛ مسئله‌ی کسر بودجه حل بشود، مسئله‌ی تعهّدات مالیِ بدون وجود منابع قابل اطمینان [حل بشود]. حالا گاهی اوقات یک مواردی هست که درآمدها چندان قابل اطمینان نیستند که خود مسئولین هم میدانند امّا تعهّدهایی انجام میگیرد به اتکاء این درآمدهای غیر قابل اطمینان. از این بدتر، گاهی اوقات خواسته‌های مجلس است ؛ موارد زیادی تعهّد به دولت تحمیل میکنند در حالی که منابع مالی مطمئنّی برایش وجود ندارد ؛ اینها باید متوقف بشود ؛ اینها در اقتصاد کشور و رشد کشور مشکل ایجاد میکند. و بالاخره از این قبیل الزامات هست.

یکی [دیگر از الزامات] هم رفع مداخلات دولتی در مالکیّت و مدیریّت بنگاه‌های اقتصادی است. یک مواردی هست که بخش مهمّی از مالکیّتها را به مردم داده‌اند، [ولی] مدیریّتها دست دولت است ؛ این هم کار درستی نیست. مدیریّت را حالا باید بدهند دست خود مردم. این هم یک مسئله است.

یک مسئله‌ی مهمّ دیگر این است که دستگاه‌های دولتی با بخش خصوصی رقابت نکنند ؛ که این هم از چیزهایی است که بنده مکرّر تأکید کرده‌ام ولیکن خب آن روز [نمایشگاه] باز بعضی به من گله میکردند، شکایت میکردند که از این دخالتها و مانند اینها وجود دارد. با اینکه مکرّر تذکر داده‌ایم، باز هم من تذکر میدهم و خواهش میکنم مسئولین محترم دولتی، بخصوص جناب آقای مخبر، این قضیّه را دنبال کنند که بخشهای دولتی در آن کاری که در بخش خصوصی دارد انجام میگیرد رقابت نکنند ؛ چون امکانات بخش دولتی بیشتر است و نگرانی و دغدغه‌ی مالی‌اش کمتر است، لذا بخش خصوصی را زمین‌گیر میکند. اگر [بخش دولتی] وارد شد، بخش خصوصی زمین‌گیر خواهد شد. یکی هم واردات بی‌رویّه است که امروز هم اینجا چند نفر از آقایان روی آن تذکر دادند.

در پایان، چند تذکر کوتاه عرض بکنم: یکی اینکه بنگاه‌های اقتصادی میان خود عرصه‌ی رقابت را از حوزه‌ی همکاری جدا کنند. بخش خصوصی، بخشی است که رقابت در آن وجود دارد و باید وجود داشته باشد ؛ رقابت مثبت،

پیش‌برنده است ؛ امّا این رقابت معنایش این نیست که در کارهای بزرگ، در اقدامهای بزرگ، با هم همکاری و هم‌افزایی نکنند ؛ بخصوص آنجایی که با مسائل اقتصادی خارج از کشور ارتباط پیدا میکند. بخشهای مختلف خصوصی باید با هم همکاری و هم‌افزایی بکنند.

تذکر بعدی مربوط به شرکتهای کوچک و متوسّط است که من چند سال قبل از این، در سخنرانی اوّل سال بخصوص روی آن تأکید کردم. (۱۱) این شرکتهای کوچک و متوسّط، نقش زیادی در ایجاد اشتغال و در ایجاد ارزش افزوده برای کالاها دارند و میتوانند کمک کنند ؛ ما اینها را حتماً از نظر دور نداریم ؛ هم دستگاه‌های دولتی به اینها توجّه کنند، هم بنگاه‌های بزرگ در زنجیره‌ی تولید خودشان با اینها همکاری کنند و اینها را توسعه بدهند و به آنها کمک کنند.

آخرین مسئله هم، مسئله‌ی تعاونی‌ها است. تعاونی‌های تولید میتواند یکی از گره‌گشاترین کارها برای ایجاد اشتغال باشد ؛ و بخصوص برای ایجاد عدالت اقتصادی در مجموعه‌ی کشور.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شماها توفیق بدهد، به مسئولین دولتی توفیق بدهد. من این را گواهی میدهم، شهادت میدهم که مسئولین محترم دولتی با همه‌ی وجود دارند کار میکنند ؛ یعنی واقعاً تلاشی که دارد انجام میگیرد، تلاش بسیار خوبی است ؛ منتها جهت‌گیری‌ها را مراقبت کنند و کار را جوری انجام بدهند که ان‌شاءالله نتایج مطلوبی داشته باشد. از خداوند متعال توفیق همه‌ی شما را خواستاریم و لطف و رحمت الهی را به روح مطهّر امام و به ارواح مطهّر شهدای عزیز مسئلت میکنیم.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) در ابتدای این دیدار، چهارده نفر از فعّالان بخش تولید، اشتغال و عرصه‌های دانش‌بنیان، گزارشی از اقدامات، موفّقیّتها و دستاوردها، همچنین مشکلات حوزه‌ی کاری خود بیان کردند و پیشنهادهایی نیز ارائه کردند.

۲) بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعّالان اقتصادی (۱۴۰۰/۱۱/۱۰)

۳) در این نمایشگاه ــ که در حسینیّه‌ی امام خمینی (ره) برگزار شد ــ انواع توانمندی‌های داخلی در حوزه‌های گوناگون به نمایش گذاشته شد.

۴) دکتر محمّد مخبردزفولی (معاون اوّل رئیس‌جمهور)

۵) بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی (۱۴۰۱/۷/۲۷)

۶) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۳/۶/۵)

۷) بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان (۱۳۹۲/۷/۱۷)

۸) آقای تقی ابتکار (مشاور علوم و فنون رئیس‌جمهور در دولت هفتم)

۹) آقای سیّدجواد ساداتی‌نژاد

۱۰) پنجره‌ی واحد صدور الکترونیکی مجوّزهای کشور

۱۱) از جمله، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی (۱۳۹۵/۱/۱)